

برای انترنیت :

سهم و موقف علامه اقبال در افغانستان شناسی

تیزس دوکتورا

نوشته : عبدالخالق رشید

تحت رهنمایی پروفیسور خانم قمر غفار رییس

بخش فارسی جامعه ملیه اسلامیہ دہلی

تعداد صفحات - (۳۰۰)

درین اثر سهم علامه اقبال در افغانستان شناسی به بررسی گرفته شده است که یکی از موضوعات مهم و درخور توجه در تحقیق شبه قاره هند محسوب میگردد . همه اثر یازده فصل دارد که عبارت اند از : فصل اول افغان و افغانستان شناسی و اهمیت آن در تاریخ و فرهنگ آسیا . فصل دوم ، افغانستان شناسی و رابطه آن با هند شناسی . فصل سوم ، افغانستان شناسی و دانشمندان نیم قاره هند . فصل چهارم ، علامه اقبال و اهمیت آثار و افکار او در مطالعه افغانستان شناسی . فصل پنجم اقبال و کلاسیکان زبان و ادبیات فارسی . فصل ششم اقبال و مطالعه ایشان درباره زبان و ادبیات پشتو . فصل هفتم ، خودی اقبال و مرکز ملت افغانی . فصل هشتم ، اقبال و شاهان افغان . فصل نهم ، محبوبیت اقبال در افغانستان ، فصل دهم ، ترجمه های از آثار و اشعار اردوی اقبال در زبانهای پشتو و دری . فصل یازدهم اقبال و سفر آن به افغانستان .

باید یاد آور گردید که در تکمیل این تحقیق از اضافتر از صد منبع علمی در زبانهای فارسی ، پشتو ، اردو ، و انگلیسی استفاده شده است . و از جمع تحقیقاتی بشمار میاید که تاکنون درین باره کاری دیگری تحقیقی انجام نشده بود . در تحقیق و تدوین این اثر از منابع دست اول و منابع آرشیفی

استفاده بعمل آمده است. اقبال و سهم او در مطالعه افغانستان شناسی نهایت مهم و اشکار است
درین باره در همین اثر معلومات بکروتازة که هم برای اقبال شناسان و هم برای افغانستان
شناسان جدید و درخور توجه بوده مطالعه کرده می‌توانید.

اقبال اولین شاعر شرقی بود که در اوراق آثار منظوم و منثور اش به معرفی افغانستان، افغانها،
روانوسایکولوژی آنها پرداخت و خود را بدون شك در جمع یکی از رهنمایان افغانها در سده بیستم
قرار داد. در ضمن همه آثارش فرهنگ و ساختارهای افغانستان شناسی و مسایل مهم و مربوط به
آن را به بحث گرفت و هستی این کشور و مردم شان را در هست بود آسیا ارزنده، عالی و سازنده
ارزیابی نمود، او بود که به صراحت اعلام داشت که:

آسیا يك پيكر آب و گل است ملت افغان در آن پيكر دل است
از فساد او فساد آسیا در كشاد او كشاد آسیا

بدر نظر داشت چنین حقایق باید یاد آور شد که سهم اقبال در تشریح ارزشهای فرهنگی افغانستان
جایگاه نهایت اهم داشته است. اقبال یکی از اندرکاران ساحه فرهنگ جهانی است که
افکار و نظریات اش در تعیین سرنوشت شماری از ملتها خصوصاً افغانستان نهایت مهم ثابت شده
است به این معنی آنچه را که او در وقت و زمانش درباره افغانستان گفته است آن همه امروز به
حيث يك واقعت در پیشگاه ما و جهان قرار دارد و به حقیقت مبدل گردیده است. در اوراق این اثر
تحقیقی نیز به تحقیق همین حقایق پرداخته شده و ثابت گردیده است که روح و روان اقبال در محبت
و آزادی خواهی افغانها و کشور سر بلندشان افغانستان فرهنگ پرور درگیر بوده است او افغانها
رادوست داشتند از بدو افغانها دوست داشتنی این مرد آگاه، آزادی دوست و فرهنگ
پرور آسیا اند. او برای افغان گفته بود که:

ضمير تست که نقش زمانه نوکشد نه حکمت فلك است این نه گردش قمر است
دگر به سلسله کوهسار خود بنگر که توکلیمی و صبیح تجلی دگر است ...

یاد اقبال جاویدان باد